



MfJ

Medical Fighh Journal

2023; 15(45): e5



Effect of determining the age of menopause on the nature of uterine blood secretions during this period; Medical jurisprudence analysis

Fattaneh Yousefi^{1*} 

1. Master's degree graduate Sharia, Higher Institute of Sunni Islamic Sciences Schools in South Iran, khonj Religious Complex, khonj, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Menopause, as a natural process in every woman's life, is often accompanied by symptoms that disrupt mental peace and cause confusion in fulfilling religious duties. Irregular and unusual bleeding is one of the most obvious features of the onset of menopause until its full realization. Recognizing the nature of these secretions has been the subject of jurisprudential analysis and the lack of an explicit expression in religious texts has provided an opportunity for jurisprudential interpretation and debate. In this research, while comparing the achievements of jurisprudence and medicine, the differences of opinions of jurists regarding the realization and determination of menopause age and the effect of these differences on the nature of uterine blood secretions are discussed.

Materials and Methods: The data was collected by descriptive-analytical method and by referring to library sources, and the opinion of jurists and doctors on the nature of uterine blood secretions during and after menopause was qualitatively analyzed.

Findings: The result is to accept the certainty of menopause occurrence, but it doesn't consider a specific and fixed age for its onset. Therefore, physicians' diagnosis and opinion plays a determining role. Considering the effect of disagreements on the nature of uterine blood secretions during and after menopause, it is better to consider the secretions of this period as menstruation if it agrees with the person's habit and with the characteristics of menstrual secretions. But with the realization of menopause, abnormal blood discharge is considered Istihazeh.

Keywords: Uterus, menopause, age of menopause, blood discharge

Corresponding Author: Fattaneh Yousefi; **Email:** f.y2020@yahoo.com

Received: November 20, 2023; **Accepted:** January 21, 2024; **Published Online:** January 27, 2023

Please cite this article as:

Yousefi F. Effect of determining the age of menopause on the nature of uterine blood secretions during this period; Medical jurisprudence analysis. Med Fighh Journal. 2024; 15(45): e5.



مجله فقه پزشکی

دوره پانزدهم، شماره چهل و پنجم، ۱۴۰۲



اثر تعیین سن یائسگی بر چیستی ترشحات خونی رحم در این دوران؛ واکاوی فقهی پزشکی

فتانه یوسفی^{۱*} ^۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، رشته شریعت، معهد عالی مدارس علوم اسلامی اهل سنت جنوب ایران، مجتمع دینی خنج، خنج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: گذر از یائسگی به‌عنوان روندی طبیعی در زندگی هر زن، گاه با پدیده‌هایی همراه است که آرامش روان فرد را مختل نموده و سردرگمی در ادای تکالیف شرعی را نتیجه می‌دهد. خونریزی‌های نامنظم و نامتعارف از بارزترین ویژگی‌های سن یائسگی تا تحقق کامل آن است. تشخیص ماهیت این ترشحات محل توجه علم فقه بوده و نبودن بیان صریحی از آن در نصوص شرعی، مجال اجتهاد را فراهم آورده و اختلاف نظر فقیهان را موجب شده است. در این پژوهش ضمن مقارنه دستاوردهای دانش فقه و پزشکی، اختلاف آرای فقیهان در دو مسئله تحقق و تعیین سن یائسگی بیان شده و در نهایت اثر این اختلافات بر چیستی ترشحات خونی رحم مطرح می‌گردد.

مواد و روش‌ها: اطلاعات پژوهش پیش رو به روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده و به تجزیه و تحلیل کیفی دیدگاه فقها و پزشکان در چیستی ترشحات خونی رحم در دوران گذر و پس از یائسگی پرداخته است.

یافته‌ها: این پژوهش به دو مسئله در موضوع یائسگی پرداخته و در نهایت اثر اختلافات فقهی موجود را بر چیستی ترشحات خونی رحم بیان کرده است. مسئله اول ممکن یا قطعی‌الوقوع بودن یائسگی بوده که نظر برگزیده بر قطعیت وقوع یائسگی است. در پذیرش یا عدم پذیرش تحدید سن یائسگی به‌عنوان مسئله دوم، دیدگاه موافقان تحدید مردود و در رد آن و پذیرش دیدگاه مخالف مستندات ارائه شده است. با توجه به تأثیر این اختلاف‌نظرها در چیستی ترشحات خونی رحم در دوران گذر از یائسگی و پس از یائسگی، صحیح‌تر دانسته شده که ترشحات دوران گذر از یائسگی در صورتی حیض قلمداد شود که موافق با عادت شخص و همراه با مشخصات و ممیزات ترشحات حیض باشد. با تحقق یائسگی، ترشحات خونی نامتعارف بوده و استحاضه به‌شمار می‌آید. از نظر این پژوهش، در نبود نص شرعی معتبر در تشخیص تحقق یائسگی، تشخیص و نظر پزشکی می‌تواند راه‌گشا باشد.

واژگان کلیدی: رحم، یائسگی، سن یائسگی، ترشحات خونینویسنده مسئول: فتانه یوسفی؛ پست الکترونیک: f.y2020@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Yousefi F. Effect of determining the age of menopause on the nature of uterine blood secretions during this period; Medical jurisprudence analysis. Med Fiqh Journal. 2024; 15(45): e5.

مقدمه

طبیعت زن بودن، حیات پرفراز و نشیبی را رقم می‌زند که گویای توانمندی و نقش مؤثر زن در جهان خلقت است. پایان حیض و مقوله یائسگی، آنان را وارد مرحله‌ای تازه از زندگی می‌سازد. این ورود نو، مشکلات و دلواپسی‌هایی در پی دارد. تغییرات روحی، روانی و جسمی مرتبط با یائسگی از یک سو و تغییر وضعیت ترشحات خونی رحمی و سایه‌ای که بر تکالیف شرعی می‌اندازد، از دیگر سو بحث در مقوله یائسگی را مهم می‌نماید. نتیجه این مبحث علاوه بر احکام عبادی مرتبط با طهارت، احکام عده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. غالباً بی‌نظمی‌های قاعدگی و لکه‌بینی‌های پی‌درپی زنان در میانسالی، خبر از پایان سن حیض دارد؛ تا اینکه این وضعیت به قطع شدن کامل حیض می‌انجامد. با چند دوره قطع شدن حیض بدون علت بیماری، در سنی که غالب بانوان حیض نمی‌بینند، یائسگی محقق می‌شود. گاه بازگشت خونریزی یا لکه‌بینی‌های نامنظم پس از گمان وقوع یائسگی، بر مشکلات روانی و جسمی دوران یائسگی می‌افزاید. پژوهش حاضر در بیان چیستی این ترشحات خونی، ابتدا مسئله ممکن یا حتمی‌الوقوع بودن یائسگی را مطرح نموده، سپس به دنبال پاسخ این سؤال است که آیا می‌توان سن وقوع یائسگی را تعیین نمود و با این تحدید وضعیت شرعی ترشحات را تشخیص داد؟

در غالب منابع فقهی که موضوع طهارت را به‌عنوان اساس انجام تکالیف مدنظر قرار داده‌اند بحث ترشحات خونی رحمی با عناوین حیض، نفاس و استحاضه، جزئی لاینفک به‌شمار می‌آید. با این وجود، امروزه که دانش پزشکی به‌عنوان بازوی پرتوان مباحث فقهی راه‌گشای مباحث غامض است بازبینی دیدگاه‌های پیشینیان فراتر از ارزشمندی، رنگ ضرورت می‌یابد؛ چراکه پویایی فقه، امروزه ایجاب می‌کند با نگاهی شامل و کامل به موضوعاتی چون یائسگی دستاوردی کاربردی به بار بنشینند. پژوهش‌های بسیاری در حیطه علوم پزشکی درخصوص تعیین سن یائسگی صورت گرفته است. از آن جمله می‌توان به پژوهش آزادی و همکاران با عنوان بررسی میانگین سن یائسگی در ایران - مطالعه مرور سیستماتیک و متاآنالیز

اشاره نمود. انجام این‌گونه مطالعات خبر از مؤثر بودن عوامل متعدد بر سن یائسگی دارد. در میان پژوهش‌های فقهی نیز می‌توان به نوشته رستمی و همکاران در مطالعه تطبیقی سن یائسگی در فقه مذاهب اسلامی اشاره کرد که به ذکر دیدگاه مذاهب خمس در بیان عوامل مؤثر بر وقوع یائسگی پرداخته و مسئله تحدید سن در یائسگی را نمی‌پذیرد. وجه تمایز پژوهش حاضر با نوشته‌های سابق در بیان اثر اختلافات فقهی موجود در موضوع یائسگی بر مسئله چیستی ترشحات خونی رحمی است.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر نوعی پژوهش میان‌رشته‌ای بوده که به صورت کتابخانه‌ای، به استقرای دیدگاه فقها و پزشکان از متن کتب و مقالات معتبر پرداخته و اطلاعات به دست آمده را به صورت توصیفی - تحلیلی مورد کنکاش قرار داده است. جهت ارائه نظریه برگزیده، گفته‌ها و مستندات فقیهان مذاهب چهارگانه اهل سنت، امامیه، زیدیه، ظاهریه و یافته‌های علم پزشکی در موضوع، محل نقد و نظر قرار می‌گیرد.

یافته‌ها

دستاورد پژوهش حاکی از اختلاف‌نظر اندیشمندان مذاهب مختلف در دو موضوع امکان وقوع یا وقوع قطعی یائسگی و موضوع تحدید سن یائسگی است. تفاوت دیدگاه‌ها بر مسئله چیستی ترشحات خونی رحمی در دوران گذر از یائسگی و پس از یائسگی سایه افکنده و نتیجه آن نظراتی متعدد و متفاوت است. به‌نظر می‌رسد ناگزیر باید پذیرفت در مرحله‌ای از حیات یک بانو یائسگی محقق می‌گردد؛ اما تعیین سن خاص برای وقوع آن مورد پذیرش این تحقیق نیست. درخصوص ترشحات خونی رحم در دوران گذر از یائسگی، نظر برگزیده آن است که این ترشحات در صورتی طبیعی و عادت ماهیانه قلمداد می‌شود که موافق با عادت زن در حیض و برخوردار از ویژگی‌های ترشحات حیض، پیش از یائسگی باشد. پس از این دوران گذر، با تحقق یائسگی رخداد حیض متوقف گشته و ترشحات خونی رحمی را نمی‌توان طبیعی دانست.

۱. معناشناسی واژه یائسگی

در پژوهش حاضر، برای بررسی و تبیین دقیق‌تر موضوع، ابتدا معناشناسی واژه یائسگی بیان خواهد شد.

۱-۱. مفهوم‌شناسی لغوی. یائسگی به معنی حالت و چگونگی یائسه بودن است. (۱) معادل عربی این واژه سنّ الیأس و الإیاس می‌باشد. الیأس و الإیاس به معنی ناامید شدن، مصدر فعل یَئِسَ یَئِیسُ است. (۲-۵) الإیاس در اصل الإیاس بر وزن الإیاس بوده (۶) و لذا برخلاف تصور برخی، مصدر اَیَس نیست. (۷) اَیَسْتُ مِنَ الشَّيْءِ مَقْلُوبٌ یَئِسْتُ بوده و مصدر ندارد. (۴، ۸-۹) یائسه مونث یأس و به معنی ناامید، بانویی است که به دلیل کهولت سن، از حیض و حمل مأیوس می‌شود. (۱، ۱۰-۱۳)

۱-۲. مفهوم‌شناسی شرعی. یائسگی رسیدن به نهایت سن حیض و حمل است؛ یعنی سنی که چون غالب زنان در آن سن حیض نمی‌شوند، زن از دیدن خون حیض مأیوس می‌گردد. (۱۷-۱۴)

۱-۳. مفهوم‌شناسی پزشکی. در دانش پزشکی، منوپوز (Menopause) یا قطع قاعدگی (۱۸) توقف طبیعی و مداوم قاعدگی به مدت یک سال است. (۱۹-۲۰) سازمان جهانی بهداشت (WHO) یائسگی را قطع خونریزی قاعدگی در نتیجه پایان یافتن فعالیت فولیکول‌های تخمدانی می‌داند که با ۱۲ ماه قطع خونریزی حیض یا آمنوره (بدون ارتباط با بارداری، شیردهی و یا سایر اختلالات هورمونی) در محدوده سنی ۴۵ تا ۵۵ سالگی همراه است. (۲۱)

۲. دوران گذر از یائسگی

یائسگی که با بروز علائم و نشانه‌هایی همراه است، از جمله تغییرات طبیعی بیولوژیک به حساب می‌آید که در ارتباط با قطع شدن قاعدگی‌ها به علت از بین رفتن عملکرد فولیکولی تخمدان و فقدان استروژن رخ می‌دهد و شایسته است به جای حادثه خواندن، به‌عنوان یک دوره زمانی در نظر گرفته شود. (۲۰-۱۹، ۲۲)

دوران حول و حوش یائسگی (Perimenopause) به دوره زمانی قبل از یائسگی، در خلال یائسگی و بعد از یائسگی گفته

می‌شود. این دوره انتقالی هورمونی، گاهی اوقات دوره گذر از یائسگی نیز نامیده می‌شود که معمولاً از اواسط تا اواخر دهه پنجم زندگی آغاز شده و ممکن است بی‌نشانه یا علامت‌دار باشد. علائمی که در دوره گذر از یائسگی آغاز می‌شود معمولاً تا دوران پس از یائسگی ادامه می‌یابد. قطع قاعدگی‌ها مشخص‌ترین وضعیت قابل شناسایی دوران حول و حوش یائسگی است. (۱۹) از دیگر علائم و عوارض این دوران، از بین رفتن قدرت باروری، تغییرات پوستی، احساس خستگی، تغییرات خلق و رفتار از جمله افسردگی، اضطراب و تحریک‌پذیری، کاهش میل جنسی، خونریزی غیرطبیعی، گرگرفتگی، اختلالات خواب و ... است. (۱۹، ۲۲) از میان نشانه‌های نام برده شده، بی‌نظمی قاعدگی قابل توجه‌ترین علامت در برخی از زنان است؛ چراکه خونریزی غیرطبیعی یکی از شایع‌ترین علائم مشکلات رحمی است. مطالعات نشان می‌دهد بی‌نظمی قاعدگی در دوران گذر از یائسگی در بیش از نیمی از زنان رخ می‌دهد. خونریزی در این دوران ممکن است نامنظم، شدید یا طولانی‌مدت باشد. این‌گونه آشفتگی در الگوی طبیعی قاعدگی، به کاهش تدریجی تعداد فولیکول‌های دارای عملکرد طبیعی نسبت داده شده است. (۱۹) از جمله علت‌های خونریزی پس از یائسگی، سرطان اندومتر، پولیپ‌های اندومتر یا سرویکس، سرطان سرویکس، سارکوم رحم و ... است. پولیپ‌های سرویکس از جمله علل خوش‌خیم خونریزی است که ممکن است به‌صورت خونریزی یا لکه‌بینی پس از مقاربت ظاهر پیدا کند. زنان مبتلا ممکن است فقط از لکه‌بینی یا ترشح صورتی یا قهوه‌ای رنگ شکایت کنند. با وجود این هرگونه نشانه‌ای از خونریزی یا لکه‌بینی باید مورد ارزیابی قرار گیرد. در خونریزی‌های پس از یائسگی باید احتمال بدخیمی‌های اندومتر، سرویکس و تخمدان رد شود. (۲۳)

۳. پایان حیض و تحقق یائسگی

در موضوع یائسگی اولین مسئله‌ای که محل بحث قرار می‌گیرد آن است که این اتفاق لاجرم روزی برای تمام زنان رخ خواهد داد یا اینکه ممکن است زنی تا همیشه از توان باروری و دیدن حیض برخوردار بوده و یائسگی برایش محقق

نگردد. در ادامه دیدگاه فقیهان و پزشکان در این موضوع بیان خواهد شد.

۳-۱. **تحقق یائسگی از نظر فقیهان.** پایان سن حیض احکام و شرایط خاصی را موجب می‌گردد؛ از آن جمله موضوع عده زنان یائسه در آیه ۴ سوره طلاق است: «وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ». همچنین رسیدن به مرحله یائسگی غالباً با عوارضی چون اختلال در ترشحات رحم همراه است که ناآگاهی در چیستی آن، هم بعد جسمی و روانی شخص را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم در ادای تکالیف و احکام، او را سرگردان می‌سازد.

تحقق یائسگی به‌عنوان امری اجتناب‌ناپذیر یا ممکن، محل بحث و تبادل نظر مذاهب اسلامی است. گروهی برای حیض شدن نهایی را تعیین نموده و تحقق یائسگی را امری حتمی‌الوقوع قلمداد می‌کنند. گروهی دیگر، با وجود اینکه رسیدن به سن یأس را انکار نکرده‌اند؛ اما معتقدند سن حیض پایانی ندارد و یائسگی لزوماً رخ نخواهد داد. این اختلاف به تفاوت برداشت از آیه ۴ سوره طلاق برمی‌گردد.

دیدگاه اول: مذهب حنفی (۲۴-۲۶)، مالکی (۲۷) حنبلی (۲۸) و امامیه (۲۹-۳۲) معتقدند که زن لزوماً در مدت عمر خود به مرحله‌ای می‌رسد که سن حیض او پایان می‌یابد؛ لذا ترشحات خونی دیده شده پس از این سن حتی با وجود صفات حیض، استحاضه محسوب می‌شود؛ (۳۱) چراکه بعد از یائسگی، حیض ناممکن می‌گردد. (۳۳)

این دیدگاه معتقد است آیه ۴ سوره طلاق «وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ» مبین وجود غایتی برای حیض است و یائسگی محقق این غایت است. (۱۷، ۲۸) پذیرفتن حیض به‌عنوان رخدادی مادام‌العمر، به معنی عدم تحقق یائسگی بوده و خلاف فرموده خداوند است. دلیل دیگر عدم وجود حیض معتاد برای بانوان صد ساله و مانند آن است که خبر از قطعیت وقوع یائسگی می‌دهد. (۳۳)

دیدگاه دوم: مذهب شافعی (۳۴) و ظاهری (۳۵)، یائسگی را لازم‌الوقوع ندانسته‌اند. از نظر آنان سن حیض غایتی ندارد و زن تا پایان عمر می‌تواند حائض باشد. مستند این نظریه تحقق

در عالم واقع است؛ پس اینجا نیز همانند حداقل و حداکثر سن حمل، احیای زمین‌های موات، قبض در معاملات و ... به عادت و وجود اعتماد می‌شود. (۳۴) همچنین فرموده پیامبر خدا «إِنَّ دَمَ الْحَيْضِ أَسْوَدُ يُعْرِفُ» و «هَذَا شَيْءٌ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَى بَنَاتِ آدَمَ» محدود به سنی خاص نبوده و نص و اجماعی دال بر حیض نبودن خون مستخرج از رحم در این سن وجود ندارد. (۳۵)

پاسخ گروه دوم به دیدگاه اول: از نظر فقیهان مخالف تحدید سن پایان حیض، سوره طلاق تنها خبر از یائسه شدن می‌دهد و وقوع قطعی یائسگی را نمی‌رساند؛ لذا امکان یائسگی، مانع حیض شدن نیست. در قرآن و سنت نیز دلیلی که تصریح بر حیض نشدن زنان نماید، وجود ندارد. همچنین بیان این آیه، با آیه ۶۰ سوره نور مشابیهت دارد. خداوند می‌فرماید: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّائِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا...». خداوند در این آیه از زنان ناامید از نکاح سخن می‌گوید؛ اما این خبر، منع نکاح آنان را لازم نمی‌سازد. (۳۶-۳۵)

۳-۱. **تحقق یائسگی از نظر پزشکان.** از نظر پزشکی لاجرم در دوره‌ای از حیات یک زن یائسگی رخ می‌دهد؛ بدین صورت که چرخه جنسی به‌طور معمول در سن چهل تا پنجاه سالگی نامنظم شده و در بسیاری از سیکل‌های قاعدگی تخمک‌گذاری رخ نمی‌دهد؛ تا اینکه نهایتاً پس از چند ماه تا چند سال، چرخه‌ها کاملاً متوقف می‌شود. با متوقف شدن چرخه‌های قاعدگی، سرعت ترشح هورمون‌های جنسی زنانه به حداقل ممکن و تقریباً به صفر می‌رسد. (۲۲) قطع شدن قاعدگی برای همیشه، تنها یک جنبه از مجموعه رخدادهایی شامل تغییرات اندوکرین، جسمی و روانی است که طی چندین سال ظاهر شده و یائسگی را نتیجه می‌دهد. (۲۰)

براساس یافته‌های پزشکی، یائسگی در میانگین سنی پنجاه و یک سالگی رخ می‌دهد. (۱۹-۲۰) علم پزشکی بر این باور است که به طور تقریبی چهل درصد زنان، قبل از چهل سالگی به‌طور طبیعی یائسه می‌شوند. (۲۰) دستاوردهای علمی نشان می‌دهد متوسط سن یائسگی طبیعی می‌تواند متأثر از عوامل متعددی چون سن منارک، وضعیت باروری، فعالیت بدنی،

تغذیه، نمایه توده بدنی، رفتارهای جنسی، بیماری‌ها (۳۷-۴۰)، شرایط محیطی - اجتماعی - اقتصادی، سطح توسعه‌یافتگی، نژاد و قومیت بوده و لذا تفاوت و اختلاف را در مناطق جغرافیایی مختلف سبب شود. به‌عنوان نمونه میانگین سن یائسگی طبیعی در کشورهای چون امارات متحده عربی ۴۷/۳، ترکیه ۴۷/۸، روسیه ۴۹، ژاپن ۴۹/۳، سوئد ۵۰، مالزی ۵۰/۷، هلند ۵۰/۹، استرالیا ۵۱، اسپانیا ۵۱/۷، فرانسه ۵۲، آمریکا ۵۲/۶ سال می‌باشد. همچنین این شاخص در نقاط مختلف کشورمان ازجمله تهران ۴۷/۷۱، شیراز ۴۸/۳، یزد ۴۹/۲ و مشهد ۵۲ سال گزارش شده است. (۴۱-۴۷)

به نظر می‌رسد که میانگین سن یائسگی در زنان ایرانی نسبت به کشورهای توسعه‌یافته پایین‌تر باشد. (۴۸) براساس نتایج حاصل از مطالعه سن یائسگی طبیعی در ایران که بر روی تعداد ۸۱۹۴ زن در رده سنی بین ۳۰ تا بالای ۶۵ سال انجام گرفته، میانه سن یائسگی در شهر، روستا و کل کشور به ترتیب ۴۹/۹، ۴۹/۲ و ۴۹/۶ سال برآورد شده است. نتایج حاکی از آن است که سن متوسط یائسگی در مناطق روستایی زودتر از مناطق شهری است که این تفاوت از نظر آماری محل توجه است. میانگین سن یائسگی در کل کشور ۵۰/۴ سال می‌باشد. براساس این تحقیق، شروع یائسگی از ۳۲ تا ۴۳ سالگی با روند آهسته افزایش می‌یابد، در حالی که بین سنین ۴۳ تا ۵۵ سالگی با روند سریع‌تر پیش رفته و بعد از آن دوباره روندش کند می‌شود. (۴۹) مطالعه مروری متاآنالیز انجام شده در تعیین سن یائسگی در ایران حاکی از افزایش اندک میانگین سن یائسگی طبیعی است که آن را به علت مراقبت‌های بهداشتی و توجه بیشتر به این شاخص مهم در سال‌های اخیر می‌داند. همچنین این پژوهش به روند رو به افزایش سن یائسگی در کشورها و جوامع مختلف اشاره کرده است. (۴۴)

علم پزشکی گویای آن است که ژنتیک عامل تعیین‌کننده‌ی زمان یائسگی برای هر بانو است. (۱۹) با وجود این مطالعه نتایج حاصل از تحقیقات در سطح جهانی، خبر از تأثیر عوامل مختلف بر افزایش سن یائسگی و یائسگی زود هنگام دارد.

براساس این مطالعات، بچه‌دار شدن (۲۰)، سابقه شیردهی (۵۰)، کاهش سن منارک، افزایش تعداد زایمان‌ها، استفاده از روش هورمونی پیش‌گیری از بارداری (OCs)، مصرف طولانی مدت قرص‌های با دوز بالا (بیشتر از ۵۰ میکروگرم استروژن برای ۳ سال یا بیشتر) (۴۸)، سن یائسگی را به تأخیر می‌اندازد. همچنین پژوهش‌ها حاکی از تأثیر رژیم غذایی بر سن یائسگی است. به گفته محققان دریافت پروتئین بالا و گوشت می‌تواند سبب تأخیر در یائسگی شده و در مقابل گیاه‌خواری، دریافت چربی و کربوهیدرات بالا و قهوه به یائسگی زودرس بینجامد. (۵۱-۵۲) علاوه بر این سیگار کشیدن (۵۳-۵۵)، انجام هیستریکتومی (۱۹) و طلاق والدین (۵۵-۵۶) ازجمله عوامل سرعت‌بخش یائسگی است.

۴. تحدید سن پایان حیض و اثر آن بر چیستی ترشحات

رحم در دوران یائسگی

تعیین ملاک و معیار شرعی یائسه خواندن یک زن، مبتنی بر دیدگاه فقیهان در بحث تحدید نهایت سن حیض است و ملاک‌ها بر حسب گرایش آنان به یکی از دو نظریه مطرح تفاوت دارد. همچنین تشخیص وضعیت ترشحات رحم در دوران یائسگی، به نتیجه بحث حاضر گره خورده است. دیدگاه‌های مطرح در این مسئله در ادامه خواهد آمد.

۴-۱. دیدگاه مخالفان تحدید سن پایان حیض. این گروه از فقیهان، معتقدند نمی‌توان سنی خاص به‌عنوان پایان حیض و آغاز یائسگی، برای تمام بانوان و تا همیشه تعیین نمود. رأی مذهب شافعی (۳۴، ۵۷)، ظاهری (۳۵)، قولی در مذهب حنفی و روایتی از ابوحنیفه (۶۰-۵۸)، نظر سید سابق (۶۱)، ابن تیمیه (۳۶)، تقی‌الدین حنبلی (۶۲)، شنقیطی (۱۷) شیخ صدوق (۶۳) و حلبی (۶۴) از امامیه بر عدم تحدید نهایت سن حیض است. براساس این دیدگاه، سن یائسگی برحسب تفاوت قومی و نژادی، تفاوت در سرزمین و آب و هوای محل زندگی، شیوه معیشت، تفاوت در ساختار بدنی و جثه افراد، متفاوت خواهد بود. به این ترتیب ملاک یائسگی یک فرد، زنان خویشاوند یا زانی هستند که شخص از جهت سبک زندگی به آن‌ها شباهت بیشتری دارد و یائسگی، زمانی مسجل می‌شود

که زن به سنی برسد که اکثر زنان در آن سن حیض نمی‌شوند. (۱۵، ۱۷، ۵۸، ۶۰، ۶۹-۶۵)

مستند این نظریه آیه ۴ سوره طلاق و عدم تعیین سنی خاص برای یائسگی است. (۳۶) همچنین در آیه ۲۲۲ بقره حیض توصیف به رنج و مشقت شده؛ پس تا زمانی که این رنج باقی است، ترشحات را می‌توان حیض دانست. (۷۰) نبود نص و اجماعی که دال بر حیض نبودن خون با وجود ویژگی حیض کند (۳۱) و ضابطه‌ای معین تعریف نماید، همچنین معلق شدن حکم یائسگی بر وجود حیض در فرموده خداوند، مکلفان را موظف به رجوع به امری می‌سازد که حکم بر آن بنا شده است و یائسگی را منوط به وجود یا عدم وجود حیض می‌سازد. (۷۱)

این گروه از فقیهان، نه برای تعیین زمان پایان حیض شدن؛ بلکه برای مشخص نمودن نحوه عده‌نشینی زنان، براساس ملاک‌های خود، غالب سن یائسگی را تعیین کرده‌اند. به‌عنوان مثال مطابق با مذهب شافعی، زن عده‌نشینی که حیضش بدون علت بیماری قطع شود، تا سن یأس صبر می‌کند و پس از آن، سه ماه عده می‌گذرانند. این سن در مشهورترین قول شافعیان، ۶۲ سالگی است. (۶۷، ۷۶-۷۲) این تعیین سن، منافاتی با دیدگاه این گروه درخصوص پایان سن حیض ندارد. چنانچه زنی بعد از سن غالب تعیین شده حیض شود، سن یائسگی برای زنان بعد از او تغییر می‌کند و برابر سن او در آخرین حیض خواهد بود. (۷۲، ۷۵، ۷۷-۷۸)

باتوجه به اینکه مخالفان تعیین سن حیض، پایدانی را برای آن تعیین نکرده‌اند، در صورتی که زن در دوران یائسگی ترشحاتی با ویژگی حیض ببیند، یائسگی او را ملغی و زن را حائض دانسته‌اند؛ اما اگر ترشحات رحم در این دوران، علائم حیض را نداشت، حیض ملغی بوده و خللی در یائسگی ایجاد نمی‌شود. دلیل این نظریه وجود زنانی است که پس از مدت‌ها قطع شدن خون، شاهد بازگشت مجدد حیض بوده‌اند. طبق این دیدگاه، دیدن خون در کهنسالی غیرممکن نیست و فرموده پیامبر: «إِنَّ دَمَ الْحَيْضِ أَسْوَدُ يُعْرِفُ» (۸۰-۷۹) و «هَذَا شَيْءٌ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَى بَنَاتِ آدَمَ» (۸۲-۸۱) مؤید این نظریه است. بنابراین مادامی که

حیض معروف برای دختران آدم اتفاق افتد، دلیلی بر لغو آن وجود ندارد. (۱۵، ۳۴، ۳۵، ۵۷، ۵۹، ۶۸، ۸۷-۸۳)

۴-۲. دیدگاه مؤافقان تحدید سن پایان حیض. از بین مذاهب اسلامی، جمهور فقهای حنفیه (۲۵، ۶۶-۶۵)، مالکیه (۸۸)، حنابلہ (۶۲، ۹۱-۸۹)، امامیه (۹۲) و زیدیه (۹۳) برای پایان حیض و شروع یائسگی سنی خاص تعیین کرده‌اند. این دیدگاه معتقد است ملاک و مبنای یائسگی، واقع حال بانوان و آن چیزی است که وجود دارد و رخ داده است. این گروه بر اساس رخدادها، اخبار زنان ثقه و توجه به نژاد مختلف، ضمن اشاره به برخی روایات، سن یائسگی را مسجل نموده‌اند؛ اما در تعیین این سن اختلاف نظر دارند.

فقیهان موافق تحدید، به اتفاق یائسگی در سن کمتر از ۵۰ سالگی را ناممکن دانسته‌اند. همچنین اتفاق دارند که یائسگی از سن ۷۰ سالگی قطعی است. محل اختلاف این گروه، وقوع یائسگی در حد فاصل سن ۵۰ تا ۷۰ سالگی است. (۶۲، ۶۵، ۹۷-۹۴)

پذیرفتن دیدگاه تحدید و تعیین سن خاص برای آغاز یائسگی، اختلاف نظرهای متعددی در وضعیت ترشحات دوران یائسگی را موجب شده است. این اختلاف نظر در بین علمای هر مذهب نیز وجود دارد. با توجه به اهمیت بحث و جهت اشراف به ملاحظات که هر دیدگاه دارد، در ادامه ضمن اشاره به رأی راجح هر مذهب درخصوص سن پایان حیض و اثر آن بر چیستی ترشحات رحم در دوران یائسگی، اختلاف آرای موجود به تفکیک مذاهب بیان می‌شود.

۴-۲-۱. احناف. براساس فتوای مذهب حنفی، سن یائسگی ۵۵ سالگی است. این دیدگاه بین زنان مناطق مختلف، تفاوت قائل نشده است؛ هرچند که محمد بن حسن در روایتی، زنان رومی و غیر رومی را متفاوت معرفی نموده است. روایاتی در تحدید سن یائسگی به سنین ۵۰، ۶۰، بین ۵۵ تا ۶۰ سالگی و ۷۰ سالگی نیز در این مذهب وجود دارد. (۵۸، ۶۰، ۶۶-۶۵، ۱۰۰-۹۸)

براساس نظر برگزیده علمای مذهب، با قطعی شدن یائسگی، ترشحاتی که زن یائسه می‌بیند حیض قلمداد نمی‌شود. (۲۵-۲۴، ۶۶-۶۵، ۱۰۱) در مقابل رأی مذهب، محمد بن حسن

در ۶۰ سالگی حائض باشند ثابت می‌کند حیض در این سن رخ نمی‌دهد؛ لذا ترشحات این دوران، قاعدگی به حساب نمی‌آید. (۲۸، ۳۳، ۶۲، ۱۰۳) فقهای این مذهب درخصوص وضعیت ترشحات بعد از ۵۰ سالگی اختلاف نظر دارند:

الف) دیدگاه برگزیده مذهب، خون بعد از ۵۰ سالگی را حیض ندانسته؛ چراکه ۵۰ سالگی آغاز سن یأس است و امکان ندارد پس از آن حیضی رخ دهد. (۲۸، ۶۲، ۱۰۴) مستند این نظریه روایت احمد بن حنبل از عایشه «إِذَا بَلَغَتْ خَمْسِينَ سَنَةً خَرَجَتْ مِنْ حَدِّ الْحَيْضِ» و روایت دارقطنی از ایشان است: «لَنْ تَرَى الْمَرْأَةَ فِي بَطْنِهَا وَلَدًا بَعْدَ خَمْسِينَ سَنَةً». فقیهان مذهب گفته‌اند از آنجا که درک این تقدیر سن با فکر و نظر امکان‌پذیر نیست؛ لذا به نظر می‌رسد بیان همسر پیامبر خدا توقیفی باشد. (۲۸، ۳۳، ۶۲، ۱۰۳)

ب) دیگر دیدگاه مطرح مذهب حنبلی، قولی دیگر از احمد بن حنبل است که بیان کرده اگر زن بعد از ۵۰ سالگی بی‌هیچ علتی عادت ماهیانه‌اش قطع شود او یائسه شده است؛ اما اگر بر روال سابق عادت خود، با تکرار خون مواجه شود آن خون، حیض شمرده می‌شود. ابن قدامه و مرداوی از علمای مذهب، این دیدگاه را صحیح‌ترین نظر درخصوص ترشحات بعد از ۵۰ سالگی دانسته‌اند. (۲۸، ۶۲، ۱۰۳، ۱۰۵) زرکشی با این دیدگاه موافق بوده است. (۱۰۶) مبنای این نظر، وجود زنان مورد اعتمادی است که از وضعیت خود و حیض شدن بعد از ۵۰ سالگی خبر داده‌اند. به‌علاوه بروز ترشحاتی با ویژگی‌های حیض و در زمان امکان آن، دال بر همسان بودن ماهیت ترشحات قبل و بعد از ۵۰ سالگی است. (۲۸، ۸۹)

ابن قدامه در مخالفت با رأی مذهب، روایت نقل شده از عایشه را حجت ندانسته است. با این دلیل که حیض، امری حقیقی بوده و مرجع در آن، وجود است و عایشه از وجود زنانی که در بعد از ۵۰ سالگی حیض یا حمل داشتند بی‌اطلاع بوده است. او در تأیید سخن خود روایت زبیر بن بکار را نقل کرده است؛ مبنی بر اینکه هند دختر عبیده بن زمعه در ۶۰ سالگی، موسی بن عبدالله بن حسین بن حسن بن علی بن ابی‌طالب (ع) را به‌دنیا آورده؛ لذا بر این باور بوده که انکار حیض در این سن با

شیبانی و محمد بن ابراهیم میدانی، خونی که زن بنا بر عادت گذشته خود و بدون سبب مریضی، در مدت حیض ببیند را حیض شمرده‌اند. (۲۴، ۶۵) به اعتقاد محمد بن مقاتل رازی، دیدگاه محمد بن حسن، مربوط به زمانی است که هنوز حکم به یائسگی زن نشده باشد؛ چراکه اگر زن یائسه شمرده شد و مثلاً ۹۰ ساله بود، خونی که می‌بیند، نمی‌تواند حیض باشد. (۹۹) این مذهب در تأیید نظر خود به‌دلیلی اشاره نکرده است. (۱۰۲) گویا مستند این گروه توجه به حال و وضعیت زنان هم عصرشان بوده است.

۲-۲-۴. مالکیه. مالکی‌ها بنا بر رأی مذهب، تأیید یائسگی در گستره زمانی ۵۰ تا ۷۰ سالگی را به زنان آگاه سپرده‌اند. (۸۸، ۹۷-۹۴) برخی علمای مذهب از جمله ابن شعبان، سن یائسگی را ۵۰ سالگی و برخی نیز چون ابن شاس آن را ۷۰ سالگی دانسته‌اند. (۸۸، ۹۴) مذهب مالکی جهت تشخیص ماهیت ترشحات دیده شده در سنین بین ۵۰ تا ۷۰ سالگی، رجوع یائسه به زنان خبره را لازم دانسته است. اگر از نظر زنان ثقه، امکان حیض بودن ترشحات وجود داشت، حیض شمرده می‌شود و در صورتی که ترشحات را حیض ندانستند یا مشکوک بودند، حیض بودن منتفی است. براساس آیه ۲۲۲ سوره بقره «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى» هر خونی که در حالت سلامت زن از رحم ترشح شود حیض است؛ مگر اینکه خلاف آن محقق گردد. (۲۷، ۹۷-۹۴)

۳-۲-۴. حنابله. به اتفاق علمای مذهب حنبلی، زن بعد از ۶۰ سالگی یائسه است؛ اما در وقوع یائسگی پیش از این سن اختلاف نظر وجود دارد. برخی از علمای مذهب، ۶۰ سالگی را آغاز سن یائسگی دانسته‌اند. براساس نظر برگزیده مذهب حنبلی، ۵۰ سالگی آغاز یائسگی است؛ اما برخی از علمای حنابله دیدگاهی مخالف داشته و یائسگی از ۵۰ سالگی را ممکن؛ اما مشروط به عدم تکرار حیض نموده‌اند. (۲۸، ۶۲، ۸۹، ۹۱، ۱۰۳) دیدگاهی دیگر، در تعیین سن، بین نژاد عرب و غیرعرب تفاوت قائل شده است. (۶۲)

فقیهان حنبلی متفق هستند که ترشحات رحم در بعد از ۶۰ سالگی، نمی‌تواند حیض باشد. به باور آنان عدم وجود زنانی که

وجود چنین مستنداتی ناممکن و مطرح نمودن آن تحکّم است. (۲۸)

ج) روایت دیگر احمد بن حنبل که خرقی (۱۰۷) آن را برگزیده است، مشکوک بودن حیض در فاصله سنی ۵۰ تا ۶۰ سالگی است. براساس این نظر اگر زن در این فاصله زمانی خون ببیند، نماز و روزه را ترک نمی‌کند؛ چرا که این عبادات یقینی هستند و با شک ساقط نمی‌شوند. پس از قطع شدن خون، براساس احتیاط روزه قضا می‌شود. به این دلیل که وجوب روزه یقینی است؛ اما صحت روزه با وجود دیدن خون مشکوک است. بنابراین با این روزه، تکلیف واجب ساقط نمی‌شود. (۲۸، ۱۰۳)

وجود عادت ماهیانه به روال قبل از ۵۰ سالگی برای برخی بانوان، حیض بودن خون در این فاصله سنی را ثابت می‌کند. از طرفی دیگر روایاتی از عایشه که ظاهراً توقیفی است، حیض در این سن را بعید نشان می‌دهد؛ لذا نظریه مشکوک بودن خون در این زمان در نتیجه این تعارض و به‌منظور رفع آن است.

د) در روایتی دیگر از مذهب حنبلی، نژاد در تعیین سن یائسگی مؤثر دانسته شده است. این روایت بیان کرده است زنان غیرعرب، از ۵۰ سالگی و زنان عرب از ۶۰ سالگی حیض نمی‌شوند. مستند این دیدگاه نقل قول زبیر بن بکار از اهل مدینه است که گفته: «لَا تِلِدُ لِخَمْسِينَ سَنَةً إِلَّا الْعَرَبِيَّةُ، وَلَا تِلِدُ لِسِتِّينَ إِلَّا قُرَشِيَّةٌ». علاوه بر این روایت، گفته‌اند زنان عرب از طبیعت قوی‌تری برخوردار هستند. ابن قدامه و بهوتی این رأی را نپذیرفته و اختلاف نژاد را در این قضیه بی‌اثر دانسته‌اند؛ چراکه زنان در سایر احکام حیض همسان هستند. (۲۸، ۳۳، ۹۱)

۴-۲-۴. امامیه. فقهای امامیه در تعیین سن یائسگی نگاه متفاوتی به زنان قریشی و نبطی در مقابل دیگر زنان داشته‌اند. از نظر آنان سن یائسگی این دو گروه از زنان، ۶۰ سالگی و در مورد سایر زنان، ۵۰ سالگی است. (۳۱-۳۰، ۱۱۶-۱۰۸)

از جمله دلایل امامیه در این خصوص روایت مرسلی است که ابن ابی عمیر از جعفر بن محمد صادق (ع) نقل کرده است. در این روایت آمده: «إِذَا بَلَغَتِ الْمَرْأَةُ خَمْسِينَ لَمْ تَرَ حُمْرَةً، إِلَّا أَنْ تَكُونَ أَمْرَأَةً مِنْ قُرَيْشٍ». (۱۲۰-۱۱۷) همچنین روایت شده که

«أَنَّ الْقُرَشِيَّةَ مِنَ النِّسَاءِ وَ النَّبَطِيَّةَ تَرَيَانِ الدَّمَ إِلَى سِتِّينَ سَنَةً».

(۱۲۰) برخی نیز معتقدند ۶۰ سالگی سن یأس تمام زنان - بدون قید قریشی و نبطی بودن - و در صورتی است که توان باروری‌شان باقی بوده و خونی با صفات حیض ببینند. (۱۲۱)

دیدگاهی دیگر در مذهب امامیه ۵۰ سالگی را سن یائسگی می‌داند. (۱۰۹، ۱۲۴-۱۲۲) مستند این نظر روایات

عبدالرحمن بن حجاج از امام صادق (ع) است که فرموده: «حَدَّثَ التِّي يَثْبُتُ مِنَ الْمَحِيضِ خَمْسُونَ سَنَةً» (۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۳) و

«ثَلَاثٌ يَتَزَوَّجْنَ عَلَى كُلِّ حَالٍ أَلَّتِي لَمْ تَحِضْ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِيضُ قَالَ قُلْتُ وَ مَا حَدَّثَهَا قَالَ إِذَا أَتَى لَهَا أَقْلٌ مِنْ تِسْعِ سِنِينَ وَ أَلَّتِي لَمْ يَدْخُلْ بِهَا وَ أَلَّتِي قَدْ يَثْبُتُ مِنَ الْمَحِيضِ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِيضُ قُلْتُ وَ مَا حَدَّثَهَا قَالَ إِذَا كَانَ لَهَا خَمْسُونَ سَنَةً» (۱۲۲، ۳۲) این

در حالی است که همین روایت با قید «إِذَا بَلَغَتْ سِتِّينَ سَنَةً فَقَدْ

يَثْبُتُ مِنَ الْمَحِيضِ» نیز از عبدالرحمن نقل شده (۱۱۹) و

همین امر روایت را از حجیت و اعتبار ساقط نموده است. (۱۲۵)

در این میان برخی از امامیه ۵۰ سالگی را مشروط به قطع حیض ساخته (۱۲۶) و پس از آن در صورت بازگشت خون با

وجود شروط عادت ماهیانه، یائسگی را ملغی دانسته‌اند. (۲۹)

۵-۲-۴. زیدیه. براساس دیدگاه زیدیه تعیین سن ۶۰ سالگی برای یائسگی زنان، اجماع و به احتیاط نزدیک‌تر است و دلیلی بر کمتر بودن این سن وجود ندارد. (۹۳)

۴-۳. جمع‌بندی نظر فقیهان درخصوص وضعیت

ترشحات رحم در دوران یائسگی. براساس دیدگاه مخالفان

تحدید سن پایان حیض، ترشحات رحم در دوران یائسگی با برخورداری از ویژگی‌های حیض، می‌تواند حیض باشد و این ترشحات موجب الغای یائسگی می‌شود؛ اما براساس دیدگاه موافقان تحدید، با مسجّل شدن یائسگی، ترشحات رحم حیض به‌شمار نمی‌آید.

۵. دیدگاه برگزیده پژوهش در تعیین سن یائسگی و

چیستی ترشحات این دوران

حیات آدمیان تسلیم و مغلوب گذر عمر است. در این مسیر، رشد و تغییرپذیری جسم انسان ناگزیر وجود داشته و هیچ

فردایی به مانند دیروزش نخواهد بود. روند تدریجی تغییر، در ابتدا سریع است و زمانی آرام می‌گیرد؛ به گونه‌ای که کمتر می‌توان تغییری را به وضوح احساس نمود. خداوند در آیه ۵ سوره حج به فرایند رشد و تحول انسان اشاره کرده است. روند تحول وجود آدمی، ابتدا به سمت پیشرفت و تکامل انسان خواهد بود تا اینکه در جوانی بالاترین قابلیت در برآورده ساختن هدف خلقت را به دست می‌آورد. در ادامه با تکامل جسم، روان و قدرت تفکر، تحول زندگی به سمت زوال و از دست دادن یکایک توانایی‌هایش پیش می‌رود.

توانایی و قابلیت باروری انسان نیز مقهور پدیده رشد و زوال است. به عنوان مثال در فرایند تکامل فولیکول‌های تخمدان، کاهش تعداد فولیکول‌ها قابل توجه است؛ به طوری که در بدو تولد یک تا دو میلیون اووسیت در تخمدان وجود دارد. در هنگام بلوغ از میان شش تا هفت میلیون اووسیت اولیه دوران جنینی، تنها سیصد هزار اووسیت برای تخمک‌گذاری در دسترس است و از این تعداد تنها چهارصد تا پانصد اووسیت در طول دوران باروری زنان، به مرحله تخمک‌گذاری می‌رسد. در زمان یائسگی تخمدان عمدتاً دارای بافتی متراکم با تعداد اندکی اووسیت می‌باشد. (۲۳) به گواهی پدیده طبیعی رشد و زوال، یائسگی که ناتوانی زنان در باروری محسوب می‌شود، ناگزیر در سنی برای هر بانو رخ خواهد داد. باتوجه به این عدم توانایی منطقی که در کنار دیگر ناتوانی‌های آدمی ظهور می‌کند، حیض شدن که به منظور فراهم نمودن امکان باروری و بیانگر قدرت و سلامت دستگاه تناسلی زنان است، غیرطبیعی و ناهمگون با سایر تغییرات به نظر می‌رسد. پس موافقت با دیدگاه گروه دوم در بحث تحقق یا عدم تحقق یائسگی، بهتر به نظر می‌رسد؛ مبنی بر اینکه زنان ناگزیر در مدت عمر خود به مرحله‌ای خواهند رسید که حیضشان پایان می‌یابد. بدیهی است وجود موارد نادر در هیچ مسئله‌ای نمی‌تواند مهم و تعیین کننده باشد.

با استناد به یافته‌های علم پزشکی، در وقوع یائسگی عامل ژنتیک نقشی تعیین کننده دارد. این دستاورد حاکی از آن است که وقوع یائسگی می‌تواند در زنان مختلف متفاوت باشد.

همچنین عوامل مختلف و متعددی در رخداد یائسگی تأثیرگذار است. از جمله اینکه بهبود سطح کیفی زندگی، افزایش سن یائسگی طبیعی را نتیجه داده است. بنابراین موافق با دیدگاه عدم تحدید سن یائسگی، باید گفت نمی‌توان سن خاصی را به عنوان سن پایان حیض در نظر گرفت. آیه ۴ سوره طلاق مؤید این نظریه است. در این آیه با وجود بحث از یائسگی زنان، این وضعیت مقید به سن مشخصی نشده و تنها قطع حیض ویژگی شناختی آن به شمار آمده است. عدم تعیین سن مشخص در نصوص معتبر شرعی و وجود تعارض در روایات موجود، حاکی از آن است که سن یائسگی می‌تواند برای هرکس خاص و متفاوت باشد. حتی دستاوردهای علم پزشکی نیز نتوانسته ملاکی دقیق و قطعی برای پایان سن حیض و تعیین آن مشخص نماید. علم پزشکی می‌تواند با مطالعه یائسگی در زنان مختلف، جایگزین توجه به احوال بانوان در استدلال فقیهان، سن غالبی را برای آن معرفی نماید و با ابزار شناختی خود تا حدودی در تشخیص راه‌گشا باشد. به علاوه تعیین سنی واحد و همگانی برای یائسگی زنان، با اصل استصحاب حال و قاعده «الأصلُ بقاء ما كان على ما كان» (۱۲۷) متعارض است. این قاعده فقهی گویای بقای یک امر یقینی تا زمانی است که خلاف آن ثابت نشده باشد؛ پس همچنان می‌توان حکم به دوام حیض نمود تا زمانی که قطع شدن آن اثبات شود. (۱۲۵)

درخصوص چيستی ترشحات خونی رحم در دوران گذر از یائسگی، آنچه صحیح‌تر به نظر می‌رسد آن است که در نبود نص شرعی متیقن، ملاک تشخیص خونریزی طبیعی از غیرطبیعی، ویژگی ترشحات و عادات شخص در حیض در پیش از وضعیت یائسگی بوده و غیر آن نامتعارف قلمداد شود؛ همچنین تشخیص خود فرد می‌تواند در این مورد تعیین کننده باشد.

دلیل اعتبار توجه به روزهای عادت زن، گفته پیامبر به فاطمه بنت ابی حبیش است که فرمود: «دَعِيَ الصَّلَاةَ أَيَّامَ أَفْرَائِكِ». (۱۲۸-۱۳۰) همچنین به ام سلمه فرمود: «لَتَنْظُرُ عِدَّةَ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ الَّتِي كَانَتْ تَحِيضُهُنَّ مِنَ الشَّهْرِ قَبْلَ أَنْ يُصِيبَهَا الَّذِي

أَصَابَهَا، فَلْتَتْرُكِ الصَّلَاةَ قَدْرَ ذَلِكَ مِنَ الشَّهْرِ، فَإِذَا خَلَفَتْ ذَلِكَ فَلَتَغْتَسِلَ، ثُمَّ لَتَسْتَتْفِرْ بِثَوْبٍ، ثُمَّ لَتُصَلِّ فِيهِ» (۸۰-۷۹، ۱۲۹، ۱۳۱-۱۳۲) بر این اساس مستحاضه در روزهای مصادف با عادات گذشته خود در حیض، ترشحات دوران گذر از یائسگی را حیض و غیر آن را استحاضه می‌شمارد.

دلیل اعتبار توجه به ویژگی‌های ترشحات خونی جهت تشخیص حیض از استحاضه، فرموده خداوند در آیه ۲۲۲ سوره بقره: «قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ» و قول پیامبر خدا «دَمُ الْحَيْضِ أَسْوَدُ يُعْرَفُ إِذَا رَأَيْتَ ذَلِكَ فَأَتْرُكِي الصَّلَاةَ» (۸۰-۷۹، ۱۲۸، ۱۳۳) است که در هر دو برای معرفی حیض به صفت آن اشاره می‌شود؛ پس توجه به ویژگی حیض در تشخیص و تمییز آن از دیگر ترشحات می‌تواند، معتبر باشد.

دلیل اعتبار تشخیص خود فرد در تعیین نوع ترشح باز هم فرموده پیامبر است «إِنَّ دَمَ الْحَيْضِ أَسْوَدُ يُعْرَفُ» که به قابل شناسایی بودن ترشحات اشاره نموده و به تشخیص زن اعتبار داده است. همچنین ایشان در مراجعه فاطمه بنت ابی حبیب، او را به علم و آگاهی و تشخیص خودش واگذار نمود و فرمود: «فَإِذَا أَقْبَلَتِ الْحَيْضَةَ، فَدَعَى الصَّلَاةَ وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَأَعْتَسِلِي وَصَلِّي» (۸۱)

بنابراین مادامی که شخص سالم بنا بر عادت خود، ترشحات حیض را در زمان امکان آن ببیند، حیضش آغاز شده و با مرتفع شدن آن، حیض پایان می‌یابد. هرگاه شخص متوجه وجود اختلال در روند حیض شد و در تشخیص دچار تردید گردید، براساس فرموده پیامبر به فاطمه: «دَعَى الصَّلَاةَ أَيَّامَ أَفْرَاقِكِ» به عادت خویش در شروع و مدت حیض بر می‌گردد. رفع تردید در آغاز حیض، به این صورت می‌تواند باشد که با لحاظ نمودن قاعده «الْيَقِينُ لَا يَزُولُ بِالشَّكِّ» (۱۲۷)، از بین حیض مشکوک و بقای تکلیف معلوم، حکم به بقای تکالیف می‌شود. در پایان حیض نیز از میان بقای حیض و وجود اختلال مشکوک، حکم به بقای حیض می‌شود؛ مگر آن که با طولانی شدن مدت بروز ترشحات، وجود اختلال با انجام آزمایشات پزشکی به اثبات برسد. ادامه وضعیت تردید در

چیستی ترشحات، ایجاب می‌کند به کمک دانش پزشکی و با استناد به یافته‌های آن، سلامت رحم بررسی شده و وضعیت خونریزی تشریح شود. در نهایت، با انقطاع دوره‌های عادت ماهیانه در مدت زمانی که یقین عدم بازگشت حیض ایجاد می‌شود (به گواهی علم پزشکی حدود یک سال) و در سنی که غالب زنان حیض نمی‌بینند یائسگی محقق می‌گردد. با قطعی شدن تحقق یائسگی، پایان رخداد حیض مبرهن گشته و ترشحات خونی رحم در آن دوران نمی‌تواند طبیعی باشد. قوت‌بخش لزوم بهره‌مندی از یافته‌های پزشکی - براساس دیدگاه برگزیده - آن است که نصوص معتبر و قابل اعتماد شرعی اطلاعات چندانی از موضوع یائسگی به دست نمی‌دهد. مبنای استدلال فقیهان مذاهب اسلامی نیز غالباً توجه به احوال بانوان زمانشان است. همین امر موجب اختلاف‌نظرهای بسیار در تشخیص وضعیت ترشحات دوران یائسگی و تشویش خاطر مکلفان شده است. همه این موارد حاکی از آن است که رفع تردید از مکلفان تنها زمانی میسر خواهد بود که دانش اطبا ابزار شناخت ماهیت موضوع باشد. مراجعه به آگاهان هر امر در شریعت اسلام و نزد اندیشمندان اسلامی پذیرفته شده است. اطلاعات و دستاوردهای علم پزشکی با مسئله حاضر گره خورده است و پزشکان در این قضیه از جمله افراد آگاه و مورد اعتماد هستند که می‌توان به علم و تشخیص آنان اعتبار داد.

نتیجه‌گیری

- حاصل بازخوانی دیدگاه فقیهان مذاهب اسلامی و بررسی دلایل آنان در دو مسئله ممکن یا قطعی الوقوع بودن یائسگی و تعیین سن یائسگی، آن است که براساس رأی برگزیده پژوهش، تحقق یائسگی امری قطعی الوقوع بوده؛ اما تعیین سن خاص برای یائسگی زنان نمی‌تواند مبنای شرعی صحیحی داشته باشد.

- محدود بودن نصوص شرعی درخصوص یائسگی و چیستی ترشحات در این زمان، مسئولیت امر تشخیص را به خرد اندیشمندان هر زمان سپرده است؛ لذا ابزار دانایی هر دوران باید در کنار قوانین معتبر شرعی قرار گرفته و آرامش مخاطبان در ادای تکالیف را به ارمغان آورد. در مواردی که

صدور حکم شرعی منوط به دانش فیزیولوژی بدن انسان باشد علم پزشکی ابزار شناخت مجتهدان است. اختلاف فقیهان مذاهب اسلامی در مسئله تحديد سن یائسگی و آشفستگی آرا در چيستی ترشحات خونی رحمی که زائیده این اختلاف است از جمله مواردی است که ضرورت استفاده از این دانش را اثبات می‌کند.

- به‌نظر می‌رسد عدم تعیین سنی خاص برای یائسگی محل اشتراک نظر دانش پزشکی و یافته‌های فقهی باشد.

- ترشحات خونی دوران گذر از یائسگی غالباً از جمله ترشحات غیرطبیعی شمرده شده و تنها ترشحاتی که موافق با عادت زن در حیض و همراه با ویژگی‌های ترشحات این ایام است، حیض به‌شمار می‌آید. در این میان تشخیص خود فرد می‌تواند تعیین‌کننده و قابل توجه باشد.

- با تحقق یائسگی - که منوط به تأیید پزشکی است - ترشحات خونی رحمی نمی‌تواند حیض و مانع ادای تکالیف شرعی باشد.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Dihkhudā, 'AA. *Lughatnāmih Dihkhudā*. 2nd ed. Tehran: University Of Tehran. 1998(1377). 23643. [In Persian]
2. Juhārī, I. *al-Ṣiḥāḥ Tāj al-Lughat Wa Ṣiḥāḥ al-'Arabīyat*. 4th ed. Beirut: Dār al-'Ilm lil-Malā'īn. 1987(1407). 3:992. [In Arabic]
3. Farāhīdī, KH. *al-'Iyn*. Ed: Makhzumi M, Sameraei I. Beirut: Dār al-Hilāl. Nd. 7:331. [In Arabic]
4. Ibn Sīdah, 'A. *al-Muḥkam Wa al-Muḥīt al-A'zam*. Ed: Hendawi, A. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyah. 2000(1421). 8:632 & 631. [In Arabic]
5. Ibn Fāris, A. *Mu'jam Maqāyīs al-Lughat*. Beirut: Dār al-Fikr. 1978(1399). 6:153. [In Arabic]
6. Azharī, M. *Tahdhīb al-Lughat*. Ed: Mar'ab. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. 2001(1421). 13:97. [In Arabic]
7. Muṭarrizī, N. *al-Maghrib*. Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī. Nd. 510. [In Arabic]
8. [4]; 1:44. [In Arabic]
9. Ibn Sīdah, 'A. *al-Mukhaṣṣiṣ*. Ed: Jaffāl, KH. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. 1997(1417). 1:282. [In Arabic]
10. Mukhtār 'Umar, A. *Mu'jam al-Lughat al-'Arabīyyat al-Mu'āṣirat*. Cairo: 'Ālam al-Kutub. 2008(1429). 3:2505. [In Arabic]
11. Jurjānī, 'A. *al-Ta'rīfāt*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1984(1403). 41. [In Arabic]
12. Ba'ī, M. *al-Muṭlī 'Alā al-Alfāz al-Muqni'*. Ed: Arnaut M, Khatib Y. Beirut: Maktabat al-Sawādy lil-Tawzī'. 2002(1423). 422. [In Arabic]
13. Fayyūmī, A. *al-Miṣbāḥ al-Munīr Fī Gharīb al-Sharḥ al-Kabīr*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. Nd. 2:683. [In Arabic]
14. Ibn 'Ābidīn, MA. *Ḥāshīyat Radd al-Muḥtār 'Alā al-Durr al-Mukhtār*. 2nd ed. Beirut: Dār al-Fikr. 1991(1412). 1:303. [In Arabic]
15. Shāfi'ī, M. *al-'Umm*. Beirut: Dār al-Ma'rifat. 1990(1410). 5:227 & 229. [In Arabic]
16. Ibn Quddāmat, 'A. *al-Mughnī*. Cairo: Maktabat al-Qāhirat. 1969(1388). 8:123. [In Arabic]
17. Shinqīfī, M. *Sharḥ Zād al-Mustaqnī Fī Ikhtisār al-Muqni'*. Riyadh: Rīyāsāt al-'Āmmat lil-Buḥūth al-'Ilmīyyat Wa al-'Ifṭā'. 2007(1428). 388. [In Arabic]
18. Dorland, W. "Dorland's illustrated medical dictionary". Trans: Namavar, H. *Tehran: Yadavareh Book Publishing*. 2000(1379). 628 [In Persian]
19. S. Birik, J. Novak's gynecology. Trans: Ghazi Jahani, B. Tehran: Gulbān. 2003(1382). 2:953 & 954 & 957 & 958 & 959. [In Persian]
20. Rein KG, Berkowitz RS, Barbieri RL. "Kistner's Gynecology & Women's Health". Trans: Sina S, Rahimzadeh P, Poursamimi P. Tehran: *Samat Publications*. 2003(1382). (3):637 & 632. [In Arabic]
21. World Health Organization. Research on the menopause. Geneva-Switzerland: WHO. 1999(1378). 680. [In English]
22. Guyton A, Hall J. Textbook of medical physiology. Trans: Hilali, S. 9th ed. Beirut: World Health Organization. 1997(1418). 1242. [In Arabic]
23. [19]; 1:339 & 340 & 153-154. [In Persian]
24. Sarakhsī, M. *al-Mabsūṭ*. Beirut: Dār al-Ma'rifat. 1993(1414). 3:149-150 & 209. [In Arabic]
25. Kāsānī, A. *Badā'i' al-Ṣanā'i' Fī Tartīb al-Sharā'i'*. 2nd ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1985(1406). 1:41. [In Arabic]
26. Ibn Nujaym, Z. *al-Baḥr al-Rā'iq Sharḥ Kanz al-Daqā'iq*. 2nd ed. Beirut: Dār al-Kitāb al-Islāmī. Nd. 1:201. [In Arabic]
27. Ibn Anas, M. *al-Mudawwanat*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1995(1415). 2:9. [In Arabic]
28. [16]; 1:263 & 262. [In Arabic]
29. Makārim Shīrāzī, N. *Istiftā'āt*. Qum: Madrasat al-'Imām 'Alī Ibn Abīṭālib. 2006(1427). 3:52. [In Persian]
30. khomeini, SR. *Istiftā'āt*. Tehran: Tanzīm Wa Nashr Āthār Imām Khomeini. 2013(1392). 1:248. [In Persian]
31. Yazdī, M. *al-'Urwat al-Wuthqā*. Qum: al-Fiqh al-A'immat al-Aṭhār. 2001(1422). 1:201. [In Arabic]
32. Ḥakīm, M. *Mustamsik al-'Urwat al-Wuthqā*. Qum: Dār al-Tafsīr. 1995(1416). 3:153. [In Arabic]
33. Ibn Taymīyyat, A. *Sharḥ al-'Umdat Fī al-Fiqh*. Riyadh: Maktabat al-'Ubaykān. 1992(1412). 481 & 483. [In Arabic]
34. Nawawī, Y. *al-Majmū' Sharḥ al-Muhadhdhab*. Beirut: Dār al-Fikr. Nd. 2:374. [In Arabic]
35. Ibn Ḥazm, 'A. *al-Muḥallā bil-Āthār*. Beirut: Dār al-Fikr. Nd. 1:404-405. [In Arabic]
36. Ibn Taymīyyat, A. *Majmū' al-Fatāwā*. Ed: Abdul Rahman Ibn Muhammad. Medina: Malik Fahd lil-Ṭibā'at al-Muṣḥaf al-Sharīf. 1995(1416). 19:240. [In Arabic]
37. Dorjgochoo T, et al. "Dietary And Lifestyle Predictors Of Age At Natural Menopause And Reproductive Span In The Shanghai Women's Health

- Study". *Menopause*. 2008(1386). 15(5):924-933. [In Persian]
38. Gold EB, et al. "Factors Associated With Age At Menopause In A Multi-Ethnic Population Of Women". *Am J Epidemiol*. 2001(1379). 153(9):865-874. [In Persian]
39. Rodstrom K, Bengtsson C, Milsom I, Lissner L. "Evidence For A Secular Trend In Menopausal Age: A Population Study Of Women In Gothenburg". *Menopause*. 2003(1381). 10(6):538-543. [In Persian]
40. Schoenaker DA, Jackson CA, Rowlands JV, Mishra GD. "Socioeconomic Position, Lifestyle Factors And Age At Natural Menopause: A Systematic Review And Meta-Analyses Of Studies Across Six Continents." *Int J Epidemiol*. 2014[1392]. 43(5):1542-1562. [In Persian]
41. Askari F, et al. "Age Of Natural Menopause And Compare The Incidence Of Its Early Complications In Menopause Transition Stages In Women From Gonabad City". *Horizon Med Sci*. 2012(1390). 17(4):42-48. [In Persian]
42. Raja'ifard A, Mohammad-Biygi A, Mohammad-Salehi N. "Estimation Of Natural Age Of Menopause In Iranian Women: A Meta-Analysis Study". *Koomesh*. 2011(1389); 13(1):1-7. [In Persian]
43. Ayatollahi SMT, Gha'em H, Ayatollahi SAR. "Determinants Of Age At Natural Menopause In Shirāz". *Irān J Med Sci*. 2002(1380). 27(3):131-133. [In Persian]
44. Sayehmiri K, Rezayi-Tavirani M, Et Al. "A Systematic Review And Meta-Analysis Of The Mean Age At Menopause In Iran". *J Ilam Univ Med Sci*. 2018(1397); 26(4):85-93. [In Persian]
45. Esmayili H, Alimi R, Javanrooh N, Azizi H, Roodsari F. "Age At Menopause And Associated Factors In Middle Aged Women In Mashhad City 2010-2011". *Iran J Obstet Gynecol Inf*. 2013(1391). 36:1-7. [In Persian]
46. Ashrafi M, et al. "The study of mean age of natural menopause and influencing factors in Iranian women living in Tehran". *Trauma Mon*. 2007(1385). 1:75-82. [In Persian]
47. Perry JR, Murray A, Day FR, Ong KK. "Molecular Insights Into The Etiology Of Female Reproductive Ageing". *Nat Rev Endocrinol*. 2015(1393). 11(12):725-734. [In Persian]
48. Pirdel M, Madadzadeh N. "A Study On Menopausal Age And Related Factors Among Menopausal Women". *Quarterly Of Family And Health*. 2020(1398). 9(4):6 & 5. [In Persian]
49. Mohammad K, Hashemi SM, Khalaj Ebadi Farahani F. "Age at natural menopause in Iran". *The European Menopause Journal*. 2004(1382). 49:1 & 4. [In Persian]
50. Hardy R, Kuh D. "Does Early Growth Influence Timing Of The Menopause? Evidence From A British Birth Cohort". *Hum Reprod*. 2002(1380). 17(9):2474-2479. [In Persian]
51. Baird DD, Trlavsky FA, Anderson JJB. "Do Vegetarians Have Earlier Menopause?". *Proc Soc Epidemiol Res*. 1988(1366). 907-908. [In Persian]
52. Nagata C, Takatsuka N, Kawakami N, Shimizu H. "Association Of Diet With The Onset Of Menopause In Japanese Women". *Am J Epidemiol*. 2000(1378). 152(9):863-867. [In Persian]
53. Reynolds RF, Obermeyer CM. "Age At Natural Menopause In Spain And The United States: Results From The DAMES Project". *Am J Hum Biol*. 2005(1383). 17(3):331-340. [In Persian]
54. Kinney A, Kline J, Levin B. "Alcohol, Caffeine And Smoking In Relation To Age At Menopause". *Maturitas*. 2006(1384). 54:27-38. [In Persian]
55. Mishra GD, Hardy R, Kuh D. "Are The Effects Of Risk Factors For Timing Of Menopause Modified By Age? Results From A British Birth Cohort Study". *Menopause*. 2007(1385). 14(4):717-724. [In Persian]
56. Hardy R, Kuh D. "Social And Environmental Conditions Across The Life Course And Age At Menopause In A British Birth Cohort Study". *BJOG*. 2005(1383). 112(3):346-354. [In Persian]
57. Māwardī, A. al-Ḥāwī al-Kabīr Fī Fiqh Madhhab al-ʿImām al-Shāfiʿī Wa Huwa Sharḥ Mukhtaṣār al-Muzanī. Ed: Moʿawwaz A, Abdul Mawjood A. Beirut: Dār al-Kutub al-ʿIlmiyyat; 1998(1419). 10:135. [In Arabic]
58. [14]; 1:304 & 305. [In Arabic]
59. [24]; 2:141. [In Arabic]
60. [26]; 4:150 & 151. [In Arabic]
61. Sayyid Sābiq. Fiqh al-Sunnat. 3rd ed. Beirut: Dār al-Kutub al-ʿArabī. 1977(1397). 1:82. [In Arabic]
62. Mardāwī, A. al-Inṣāf Fī Maʿrifat al-Rājiḥ Min al-Khalāf. 2nd ed. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-ʿArabī. Nd. 1:356-357. [In Arabic]
63. Ṣadūq, M. al-Muqni'. Qum: Imām Hādī. 1994(1415). 345. [In Arabic]
64. Ḥalabī, A. al-Kāfi Fī al-Fiqh. Isfahan: Kitābkhānih Imām Amīr al-Muʿminīn. Nd. 312. [In Arabic]

65. Mawūṣilī, 'A. al-'Ikhtiyār li-Ta'līl al-Mukhtār. Cairo: Maṭba'at al-Ḥalabī. 1937(1356). 3:176. [In Arabic]
66. 'Aynī, M. al-Bināyat Sharḥ al-Hidāyat. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1999(1420). 1:639 & 622 & 638. [In Arabic]
67. Shīrāzī, I. al-Muhadhdhab Fī Fiqh al-'Imām al-Shāfi'ī. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. Nd. 3:121. [In Arabic]
68. [57]; 11:189. [In Arabic]
69. Shīrbīnī, al-'Iqnā' Fī Ḥall 'Alfāz Abī Shujā'. Beirut: Dār al-Fikr. Nd. 2:468. [In Arabic]
70. Ibn Rushd, M. al-Muqaddamāt al-Mumahhidāt. Beirut: Dār al-Gharb al-'Islāmī. 1987(1408). 1:130. [In Arabic]
71. Suḥaym, 'A. al-Fatāwā al-'Āmmat. Np. Npn. Nd. 1:119. [In Arabic]
72. Nawawī, M. Rwaḍat al-Ṭālibīn Wa 'Umdat al-Muftīn. 3rd ed. Beirut: al-Maktab al-'Islāmī. 1991(1412). 8:372. [In Arabic]
73. Anṣārī, Z. Faṭḥ al-Wahhāb bi-Sharḥ Minhāj al-Ṭullāb. Beirut: Dār al-Fikr li-Ṭibā'at Wa al-Nashr. 1993(1914). 2:127. [In Arabic]
74. Ibn Raf'at, A. Kifāyat al-Nabīyyat Fī Sharḥ al-Tanbīh. Ed: Basloom, M. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 2009(1430). 1:40-41. [In Arabic]
75. Shīrbīnī, M. Mughnī al-Muḥtāj 'Ilā Ma'rifat Alfāz al-Minhāj. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1994(1415). 5:83-84. [In Arabic]
76. Haytamī, A. Tuḥfat al-Muḥtāj Fī Sharḥ al-Minhāj. Cairo: al-Maktabat al-Tijārīyyat al-Kubrā. Nd. 8:238. [In Arabic]
77. Ramlī, M. Niḥāyat al-Muḥtāj ilā Sharḥ al-Minhāj. Beirut: Dār al-Fikr. 1987(1404). 1:325. [In Arabic]
78. [76]; 1:384. [In Arabic]
79. Abū Dāwūd, S. Sunan Abī Dāwūd. Beirut: al-Maktabat al-'Aṣrīyyat. Nd. 1:75 & 79. [In Arabic]
80. Nasā'ī, A. al-Mujtabā Min al-Sunan. Ed: Abu Ghuddat, AF. 2nd ed. Beirut: Maktab al-Maṭbū'at al-'Islāmī. 1986(1406). 1:123 & 882. [In Arabic]
81. Bukhārī, M. Ṣaḥīḥ al-Bukhārī. Ed: āl-Nasir, MZ. Beirut: Dār Ṭawq al-Nijāt. 2002(1422). 1:66 & 262. [In Arabic]
82. Niyshābūrī, M. Ṣaḥīḥ Muslim. Ed: 'Abd-al-Bāqī, MF. Beirut: Dār Iḥyā' al-Ṭurāth al-'Arabī. Nd. 2:873. [In Arabic]
83. [69]; 1:95. [In Arabic]
84. Bujayrimī, S. Tuḥfat al-Ḥabīb 'Alā Sharḥ al-Khaṭīb. Beirut: Dār al-Fikr. Nd. 1:338. [In Arabic]
85. Jamal, S. Futūḥāt al-Wahhāb bi-Tawḍīḥ Sharḥ Minhāj al-Ṭullāb. Beirut: Dār al-Fikr. Nd. 4:445. [In Arabic]
86. Sughdī, A. al-Nutaf Fī al-Fatāwā. Ed: Nahi, S. 2nd ed. Beirut: al-Risālat. 1984(1404). 1:329. [In Arabic]
87. Marghīnānī, A. al-Hidāyat Fī Sharḥ Bidāyat al-Mubtadī. Ed: Yousuf, T. Beirut: Dār 'Ihyā' al-Turāth al-'Arabī. Nd. 2:275. [In Arabic]
88. Ru'aynī, M. Mawāhib al-Jalīl Fī Sharḥ Mukhtaṣar Khalīl. 2nd ed. Beirut: Dār al-Fikr. 1992(1412). 1:367 & 366. [In Arabic]
89. [62]; 9:282 & 284. [In Arabic]
90. Ibn Mufliḥ, I. al-Mubdī' Fī Sharḥ al-Muqni'. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 1997(1418). 1:235. [In Arabic]
91. Buhūtī, M. Kashshāf al-Qinā' 'An Matn al-'Iqnā'. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. Nd. 1:202. [In Arabic]
92. Shahīd Thānī, Z. al-Rawḍat al-Bahīyyat Fī Sharḥ al-Lum'at al-Dimashqīyyat. 6th ed. Tehran: al-Nashr. 1992(1371). 1:30-34. [In Arabic]
93. Ibn Murtaḍā, A. al-Baḥr al-Zakḥkhār al-Jāmi' li-Madhāhib 'Ulamā' al-'Amṣār. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 2001(1422). 2:219. [In Arabic]
94. [88]; 4:148. [In Arabic]
95. Ṣāwī, A. Ḥāshīyat al-Ṣāwī 'Alā al-Sharḥ al-Ṣaghīr. Cairo: Dār al-Ma'ārif. Nd. 1:208. [In Arabic]
96. Kharashī, M. Sharḥ Mukhtaṣar Khalīl. Beirut: Dār al-Fikr. Nd. 4:142. [In Arabic]
97. Ibn Rushd, M. al-Bayān Wa al-Taḥṣīl Wa al-Sharḥ Wa al-Tawjīḥ Wa al-Ta'līl li-Masā'il al-Mustakhrajat. Ed: Hajji M, et al. 2nd ed. Beirut: Dār al-Gharb al-'Islāmī. 1988(1408). 1:104-105. [In Arabic]
98. [14]; 3:232. [In Arabic]
99. Ibn Māzat, M. al-Muḥīṭ al-Burhānī Fī al-Fiqh al-Nu'mānī Fiqh al-'Imām Abī Ḥanīfat. Ed: Sami Jondī, A. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 2003(1424). 1:212-213 & 211-212. [In Arabic]
100. Shurunbulālī, H. Marāqī al-Falāḥ Sharḥ Matn Nūr al-'Idāḥ. Beirut: al-Maktabat al-'Aṣrīyyat. 2004(1425). 60. [In Arabic]
101. Zabīdī, A. al-Jawharat al-Nīrat. Beirut: al-Maṭba'at al-Khayrīyyat. 1904(1322). 2:75-76. [In Arabic]

102. Ibn Abī al-‘Izz, A. al-Tanbīh ‘Alā Mushkilāt al-Hidāyat. Ed: Shaker AH, Abu Zaid A. Riyadh: Rushd Nāshirūn. 2003(1424). 3:1420. [In Arabic]
103. Ibn Quddāmat, M. al-Kāfi Fī Fiqh al-‘Imām ‘Aḥmad. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyyat. Nd. 1:140. [In Arabic]
104. Buhūtī, M. al-Rawḍ al-Murabba‘ Sharḥ Zād al-Mustaḥṣin. Beirut: Dār al-Mu‘ayyad. Nd. 53. [In Arabic]
105. Ibn Ḍuwayyān, I. Manār al-Sabīl Fī Sharḥ al-Dalīl. Ed: al-Shawish Z. 7th ed. Np. Npn. 1989(1409). 1:55. [In Arabic]
106. Zarkashī, M. Sharḥ al-Zarkashī. Riyadh: Dār al-‘Abīkān; 1992(1413). 5:547. [In Arabic]
107. Khiraqī, ‘U. Matn al-Khiraqī ‘Alā Madhhab Abī ‘Abdullah Aḥmad Ibn Ḥanbal al-Shaybānī. Beirut: Dār al-Ṣaḥābat lil-Turāth. Nd. 18. [In Arabic]
108. Najafī, MH. Jawāhir al-Kalām. Qum: Dā‘irat al-Ma‘ārif Fiqh Islāmī Bar Madhhab Ahl Bayt. 2000(1421). 2:146. [In Arabic]
109. Muḥaqqiq Ḥillī, J. Sharā‘i‘ al-Islām Fī Masā’il al-Ḥalāl Wa al-Ḥarām. Ed: Mohammad Ali, A. 3rd ed. Beirut: Dār al-‘Aḍwā’. 1998(1418). 1:51-58 & 52 & 3:24. [In Arabic]
110. Shahīd Thānī, Z. Masālik al-‘Afhām ‘Ilā Tanqīḥ Sharā‘i‘ al-Islām. Qum: al-Ma‘ārif al-Islāmīyyat. 1992(1413). 9:235-236. [In Arabic]
111. Ḥillī, Ḥ. Talkhīṣ al-Marām Fī Ma‘rifat al-‘Aḥkām. Qum: Tablīghāt al-‘Islāmī. 2000(1421). 224. [In Arabic]
112. Khomeini, R. Taḥrīr al-Wasīlat. Tehran: Tanzīm Wa Nashr Āthār Imām Khomeini. 1972(1392). 1:47. [In Arabic]
113. Gulpāyghānī, M. Hidāyat al-‘Ibād. Np. Npn. Nd. 44. [In Arabic]
114. Arākī, M. Tawḍīḥ al-Masā’il. Qum: Tablīghāt al-‘Islāmī; 1992(1413). 76. [In Persian]
115. Bihjat, M. Tawḍīḥ al-Masā’il. Qum: Shabaq. 1998(1419). 101. [In Persian]
116. Ḥakīm, MS. Minhāj al-Ṣāliḥīn. Beirut: Dār al-Ṣafwat. Nd. 63. [In Arabic]
117. Kuliynī, M. al-Kāfi. Ed: Ghaffari A, Akhondi M. Tehran: Dār al-Kutub al-‘Islāmīyyat. 1986(1407). 3:107. [In Arabic]
118. Ibn Bābawayh, ‘A. Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh. Ed: Ghaffari, ‘A. Qum: Jimā‘at Mudarrisīn Ḥuzat ‘Ilmīyyat Qum. 1992(1413). 1:92. [In Arabic]
119. Ṭūsī, M. Tahdhīb al-‘Aḥkām. Ed: Khersan, H. Tehran: Dār al-Kutub al-‘Islāmīyyat. 1986(1407). 1:397 & 391 & 7:469. [In Arabic]
120. Ḥurr ‘Āmilī, M. Wasā’il al-Shī‘at. Qum: Āl al-Bayt. 1988(1409). 2:335 & 337. [In Arabic]
121. Majlisī, M. Lawāmi‘ Ṣāḥibqarānī. Qum: ‘Ismā‘īlīyān. 1993(1414). 1:637. [In Arabic]
122. Ṭūsī, M. Al-Istibṣār Fī Mā Ikhtalaf Min al-‘Aḥbār. Tehran: Dār al-Kutub al-‘Islāmīyyat. 1970(1390). 3:337. [In Arabic]
123. ‘Āmilī, M. Madārik al-‘Aḥkām Fī Sharḥ Sharā‘i‘ al-‘Islām. Mashhad: Āl al-Bayt li-‘Iḥyā’ al-Turāth. Nd. 1:323. [In Arabic]
124. Ṣadr, MB. al-Fatāwā al-Wāḍiḥat. Beirut: Dār al-Ta‘āru. 1982(1403). 227. [In Arabic]
125. Rostami S, Yusefi SR, Takht Mina Z. Muṭālī‘i Taṭbīqī Sinn Yā’isigī Dar Madhāhib ‘Islāmī. Npn. 1395(2016). 8(28,29):236-237. [In Persian]
126. Mufīd, M. al-Muḥṣin. Qum: al-Nashr al-‘Islāmī; 1989(1410). 532. [In Arabic]
127. Ṣidqī. M. Musū‘at al-Qawā’id al-Fiqhīyyat. Beirut: al-Risālat. 2004(1424). 9:71 & 12:441. [In Arabic]
128. Dārquṭnī, ‘A. Sunan al- Dārquṭnī. Beirut: al-Risālat. 2004(1424). 1:394. [In Arabic]
129. Biḥaqī, A. Al-Sunan al-Ṣaghīr. Karāchī: al-Dirāsāt al-‘Islāmīyyat. 1989(1410). 3:151. [In Arabic]
130. Baghawī, Ḥ. Sharḥ al-Sunnat. 2nd ed. Beirut: al-Maktab al-‘Islāmī. 1982(1403). 9:207. [In Arabic]
131. Shāfi‘ī, M. al-Musnad. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyyat. 1980(1400). 216. [In Arabic]
132. Dārimī, ‘A. Sunan al-Dārimī. Np. Dār al-Mughnī. 1991(1412). 1:602. [In Arabic]
133. Ḥakīm, M. al-Mustadrak ‘Alā al-Ṣaḥīḥayn. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyyat. 1990(1411). 1:281. [In Arabic]
134. Muslim. al-Musnad al-Ṣaḥīḥ al-Mukhtaṣar bi-Naql al-‘Adl ‘An Rasūl Allāh. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al- ‘Arabī. [In Arabic]